**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه411 – 06/ 12/ 1399 تفصیل بین شبهه حکمیه و موضوعیه /اقوال /استصحاب**

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در جریان استصحاب در شبهات حکمیه بود. در جلسات گذشته به اشکال تعارض که در کلام مرحوم خوئی مطرح شده پرداختیم و در نهایت آن را نپذیرفتیم.

در این جلسه به ذکر جزئیات مبنای ایشان در جریان استصحاب در شبهات حکمیه و اشکال دیگری از آیت الله العظمی شبیری در جریان استصحاب در شبهات حکمیه می پردازیم.

# مختار نهایی مرحوم خوئی در جریان استصحاب در شبهات حکمیه

مرحوم صدر از مرحوم خوئی نقل می کنند که ایشان ابتدا جریان استصحاب حکمی را بطور کلی \_چه حکم کلی در شبهات حکمیه و چه حکم جزئی در شبهات موضوعیه\_مبتلا به اشکال تعارض جعل و مجعول می دانستند ولی مرحله به مرحله از این نظر تنزل نموده و در نهایت جریان استصحاب در شبهات حکمیۀ الزامیه یا آنچه ملحق به حکم الزامی است را دچار اشکال دانستند نه جمیع استصحابات حکمی را.

در این که مراد از آنچه ملحق به احکام الزامی است چیست بیان روشنی از مرحوم صدر یافت نشد.

وجه تفکیک مرحوم خوئی بین احکام الزامیه و غیر الزامیه به نقل مرحوم صدر عبارت از این است که در احکام الزامیه اصل عدم جعل الزام، عدم تکلیف را نتیجه می دهد و اصل بقای مجعول وجود تکلیف را نتیجه می دهد و این دو با هم معارضه می کند ولی در احکام غیر الزامی اصل عدم جعل نداریم تا با بقای مجعول معارضه کند؛ علت این مطلب این است که ما می دانیم در ابتدای شریعت مردم صرفا مکلف بودند به «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»[[1]](#footnote-1) یعنی صرفا موظف بودند شهادتین بگویند و سائر امور برایشان مباح بوده لذا حالت سابقۀ امور در بدو شریعت بر اباحه بوده و اصل عدم اباحه مجرا ندارد تا با بقای مجعول تعارض کند بلکه جعل و مجعول در اینجا هماهنگ و متوافق اند. [[2]](#footnote-2)

## عدم جریان بیان مرحوم خوئی در مستحبات

بیانی که مرحوم خوئی در مورد اباحه و عدم تعارض جعل و مجعول در امور مباح دارند در مستحبات جریان ندارد چون در استحباب، حالت سابقه بر عدم جعل بوده و استصحاب عدم جعل در آن با استصحاب بقای مجعول معارضه می کند لذا کلام ایشان تنها در مباحات به معنی الاخص جریان می یابد. البته مورد دیگری که شبیه اباحه است نیز وجود دارد که بعدا به آن اشاره می کنیم.

علاوه بر مستحبات در احکام وضعیه نیز کلام مرحوم خوئی جریان ندارد و اصل عدم جعل حکم وضعی با بقای مجعول آن تعارض دارد؛ البته یک بحثهایی در این زمینه وجود دارد که ممکن است گفته شود احکام وضعیه ای که ریشۀ عقلائی دارند دچار اشکال تعارض جعل و مجعول نبوده و در ابتدای شریعت این احکام نیز مانند اباحه ولو با امضا ثابت شده اند و دیگر اصل عدم جعل در موردشان جریان ندارد تا با اصل بقای مجعول تعارض کند و احتمال این که در اینده ردعی نسبت به این بنائات عقلا صادر شده باشد در واقع به منزلۀ احتمال نسخ یک قانون شرعی است.

# اجمالی از اشکال ایت الله العظمی شبیری در جریان استصحاب در شبهات حکمیه

حاج اقای والد به بیان دیگری جریان استصحاب در شبهات حکمیه را دچار اشکال می دانستند و محصل آن عبارتست از این که جریان استصحاب در شبهات حکمیه قبل الفحص قابل التزام نیست در حالی که ادله استصحاب ناظر به استصحابی است که قبل الفحص هم جاری می شود خصوصا در برخی ادله تصریح شده به این که برای جریان استصحاب فحص لازم نیست مانند صحیحۀ ثانیه زراره که تعبیر می کند«فهل علی ان شککت ...»[[3]](#footnote-3) و حضرت در پاسخ می فرماید وارسی لازم نیست و این شاهد عدم شمول استصحاب نسبت به شبهات حکمیه است.

## فرق اشکال ایت الله شبیری با اشکال مرحوم خوئی در نتیجه

اشکال حاج اقای والد شامل جمیع شبهات حکمیه شده و بین اباحه و غیر اباحه فرق نمی گذارند ولی طبق اشکال اقای خوئی جریان استصحاب در شبهات حکمیه ترخیصیه بلا مانع خواهد بود؛ علت مطلب این است که اشکال آقای خوئی مبتنی بر تعارض استصحاب عدم جعل با بقای مجعول بود لذا در امثال جعل اباحه یا احکام وضعیه امضائیه چون جعلش در ابتدای شریعت معلوم بوده استصحاب عدم جعل ندارد تا با بقای مجعول معارضه کند ولی طبق بیان حاج اقای والد مشکل جریان استصحاب در شهات حکمیه ذاتی بوده و ربطی به تعارض جعل و مجعول ندارد.

و این که از نظر حاج اقای والد بنائات عقلائی ای که ردعشان ثابت نشده در حکم ممضات تلقی می شوند ربطی به این بحثها پیدا نمی کند.

# توضیح اشکال ایت الله شبیری در جریان استصحاب در شبهات حکمیه

حاج اقای والد در بحث استصحاب به این اشکال نرسیدند و درسشان تعطیل شد ولی در بحث قاعدۀ طهارت به تناسب این که حدیث طهارت دال بر قاعدۀ طهارت است یا استصحاب قائل شدند به این که این حدیث ربطی به استصحاب ندارد متعرض اشکال شمول این قاعده نسبت به شبهات حکمیه نیز شدند.

بیان ایشان این بود که ادلۀ قاعدۀ طهارت یک شمول افرادی دارد نسبت به شبهات حکمیه و موضوعیه و یک شمول احوالی دارد نسبت به حالت قبل و بعد الفحص؛ لازمۀ ثبوت هر دو اطلاق این است که در شبهات حکمیه قبل الفحص بتوان دلیل را جاری کرد و حال آن که این قابل التزام نبوده و ما اجمالا می دانیم هر دو اطلاق نمی تواند اراده شده باشد؛ برای نجات از محذور جریان اصل طهارت در شبهات حکمیه قبل الفحص باید یک خلاف ظاهر مرتکب شده و به ناچار باید از یکی از دو اطلاق رفع ید کرد یعنی یا بر اطلاق افرادی دلیل نسبت به شبهات حکمیه تحفظ کنیم و از اطلاق احوالی نسبت به حال قبل الفحص رفع ید کنیم و یا اساسا از اطلاق افرادی رفع ید کرده و بگوئیم این دلیل ناظر به شبهات حکمیه نیست نه قبل و نه بعد الفحص و رفع ید از اطلاق احوالی و تحفظ بر اطلاق احوالی ترجیحی نسبت به رفع ید از اطلاق افرادی ندارد.

بلکه ممکن است گفته شود رفع ید از اطلاق افرادی به لحاظ عرفی راجح است زیرا ممکن است گفته شود ظهور دلیل در این که شمولش نسبت به افراد مختلف به نحو واحد است قوی تر است از ظهورش در شمول نسبت به تمام افراد چون لازمۀ شمولش نسبت به تمام افراد حتی شبهات حکمیه این است که حالت قبل الفحص را شامل نشود ولی در شبهات موضوعیه حال قبل الفحص را شامل شود و این دوگانگی در نحوۀ شمولش نسبت به افراد مختلف بلحاظ عرفی مؤونه بیشتری بطلبد.

این بیانی است که حاج آقا در بحث قاعدۀ طهارت فرمودند که شبیهش در بحث استصحاب نیز جریان دارد.

لازم به ذکر است تعبیر به عموم یا اطلاق در اینجا با هم فرقی ندارد چون اگر عدم شمول ادله استصحاب نسبت به شبهات حکمیه قبل الفحص به نحو قرینۀ متصله باشد مانع انعقاد طلاق یا ظهور در عموم شده و اگر به نحو قرینه منفصله باشد مانع حجیت ظهور اطلاقی یا عمومی می شود و در اصل ظهور اثر گذار نیست لذا بین این دو تعبیر فرقی وجود ندارد.

توجه به این نکته نیز لازم است که در هر دو احتمال یک خلاف ظاهر وجود دارد چون دلیل بنابر هر دو احتمال یک قید می خورد و یک بار تخصیص می خورد گر چه بنابر احتمال رفع ید از اطلاق افرادی تعداد بیشتری از افراد عام از تحت دلیل خارج می شوند ( شبهات حکمیه بعد الفحص) ولی ملاک در ترجیح یکی از دو احتمال این است که کدام قید بلحاظ عرفی مؤونه کمتری دارد گرچه تعداد بیشتری از افراد را خارج کند و در اینجا خصوصا با ملاحظۀ تصریحی که در برخی از ادله استصحاب نسبت به شمولش برای حالت قبل الفحص وجود دارد ممکن است بلحاظ عرفی خروج شبهات حکمیه مؤونه کمتری داشته باشد و گفته شود دلیل اساسا ناظر است به قاعده ای که قبل الفحص هم جاریست و چنین قاعده ای تنها در شبهات موضوعیه جاریست.

## بررسی اشکال آیت الله شبیری بر مبنای مرحوم آخوند در نحوۀ تخصیص عمومات

در اصول بحثی وجود دارد تحت عنوان این که بعد از تخصیص عام، چگونه می توان به این عام در سائر افراد تمسک کرد چون وقتی معنای حقیقی عام که شمولش نسبت به جمیع افراد است اراده نشده بین دو معنای مجازی دیگری که شمولش نسبت به جمیع الباقی یا بعض الباقی است دوران وجود دارد.

مرحوم آخوند در پاسخ به این شبهه این گونه گفته اند که عمومات به نحو ضرب القانون بوده و برای این است که مکلفین بتوانند در موارد مشکوک بدان تمسک کنند بنابراین بعد از تخصیص یک دلیل، در موارد مشکوک می توان به این قانون تمسک نمود؛ در ما نحن فیه نیز شبهات حکمیه بعد الفحص مورد مشکوک دلیل است و ممکن است توهم شود با این مبنای مرحوم آخوند می توان این مورد مشکوک را مشمول دلیل دانست چون آن مقداری که یقین داریم از تحت دلیل خارج شده شبهات حکمیه قبل الفحص است و نسبت به حال بعد الفحص شک داریم این دلیل شامل است یا نه و طبق بیان مرحوم آخوند اساسا عام برای این که در موارد مشکوک مورد تمسک قرار گیرد القا شده است.

به نظر می رسد روی مبنای مرحوم آخوند و شاید برخی مبانی دیگر، این مطلب ناتمام باشد که توضیحش را در جلسات آینده بیان می کنیم.

1. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج‏18، ص: 202 [↑](#footnote-ref-1)
2. مباحث الأصول، ج‏5، ص: 187 [↑](#footnote-ref-2)
3. تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان)، ج‏1، ص: 422 [↑](#footnote-ref-3)